

فصل دوم

توسعه اقتصادی

هدف کلی

هدف کلی فصل دوم آن است که دانشجو مفهوم توسعه اقتصادی و تفاوت آن را با رشد اقتصادی درک کند و با شاخص‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی و تقسیم‌بندی جوامع بر این اساس آشنا شود.

هدف‌های رفتاری:

- پس از مطالعه این فصل دانشجو قادر خواهد بود:
۱. مفهوم توسعه اقتصادی و ویژگی‌های آن را بیان کند.
۲. توسعه اقتصادی را از زبان اقتصاددانان مختلف تعریف کند.
۳. فرآیند تاریخی توسعه را توضیح دهد.
۴. تفاوت توسعه و رشد اقتصادی را تشخیص دهد.
۵. تقسیم‌بندی جوامع بر اساس سطح توسعه را عنوان کند.
۶. در خصوص موانع توسعه اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بحث کند.
۷. شاخص‌های توسعه اقتصادی را نام ببرد و هر یک را تعریف کند.
۸. کشورهای جهان را بر اساس شاخص‌های توسعه اقتصادی با یکدیگر مقایسه کند.
۹. سیاست‌های توسعه اقتصادی را بیان کند.
۱۰. توسعه پایدار را تعریف کند.
۱۱. اجزاء اصلی توسعه پایدار را نام ببرد و دریابد چه مقولاتی در فضای فصل مشترک آن‌ها مطرح می‌شود.
۱۲. شاخص‌های توسعه پایدار را نام ببرد.

۲-۱ مقدمه

مقوله توسعه اقتصادی تا قبل از دهه ۱۹۴۰ به صورت پراکنده مطالعه و بررسی می‌شد. اما پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی و به صورت شاخه‌ای مجزا از علم اقتصاد تحت عنوان «اقتصاد توسعه» مطرح شد. به رغم عمر نسبتاً کوتاه علم اقتصاد توسعه، پدیده توسعه‌نیافتگی، پدیده جدیدی نمی‌باشد. در واقع آغاز این پدیده به چند قرن پیش باز می‌گردد.

تا پیش از قرن شانزدهم با وجود اختلاف زیاد در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع مختلف، سطح زندگی و تکنولوژی آن‌ها با یکدیگر چندان متفاوت نبود. پس از قرن شانزدهم میلادی تا کنون، ایجاد تحولاتی چون به ثمر رسیدن نهضت رنسانس^۱، انقلاب کشاورزی^۲ (ابتدای قرن هیجدهم در انگلستان)، انقلاب صنعتی^۳ (قرن هیجدهم) و وقوع دو جنگ جهانی (قرن بیستم)، نوآوری و پیشرفت‌های فنی در قرن نوزدهم و رشد شتابان آن در قرن بیستم، همچنین پیشرفت‌های علمی در زمینه‌های فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آستانه قرن بیست و یکم و رشد سریع آن، موجب شد تا برخی از کشورها مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و ژاپن در مسیر توسعه حرکت کنند و در این راه موفقیت‌هایی را به دست آورند و به عنوان کشورهای توسعه‌یافته شناخته شوند. در مقابل گروهی دیگر از کشورهای جهان نتوانستند همگام با کشورهای گروه اول حرکت کنند. و از مسیر توسعه دور ماندند.

برخی از علمای اقتصاد توسعه بر این عقیده‌اند که آغاز قرن شانزدهم عصر تازه‌ای در زندگی انسان‌ها به شمار می‌آید. از نظر آنان در این دوران فرآیند تاریخی توسعه کشورهای توسعه‌یافته در سه مرحله طی شده است که در ابتدای این فصل بدان پرداخته می‌شود.

در فصل حاضر که به منظور مطالعه توسعه اقتصادی تدوین شده تعریف و مفهوم توسعه اقتصادی ارائه گردیده است. موضوعات دیگری که در این فصل مطرح و بررسی شده‌اند عبارتند از: تقسیم‌بندی جوامع براساس سطح توسعه اقتصادی آن‌ها، شاخص، موانع و سیاست‌های توسعه اقتصادی و توسعه پایدار.

۱. نهضت رنسانس تقریباً از ۱۴۵۳ میلادی شروع و تا پایان قرن هفدهم میلادی در اروپا ادامه یافت.

۲. در انگلستان به‌کارگیری تکنیک‌های جدید کشاورزی موجب شد تا این کشور با مازاد محصول حدود ۵۰٪ روبرو و به انبار غله اروپا معروف شود.

۳. نکته قابل توجه این است که انقلاب صنعتی حاصل تلاش‌های صنعتگران و پیشه‌ورانی بوده است که بعضاً دارای سواد خواندن و نوشتن نبودند. به عبارتی در این انقلاب علم نقش چندانی نداشته است.

۲-۲ فرآیند تاریخی توسعه در کشورهای توسعه یافته

یکی از نظریات توسعه فرآیند تاریخی توسعه را به سه مرحله تقسیم می‌کند:

۱. مرحله تجمع یا تراکم اولیه سرمایه، این مرحله از قرن شانزدهم میلادی آغاز شد و تا اواخر قرن هیجدهم خاتمه یافت. در این مرحله، نخستین کشورهای استعمارگر دنیا یعنی هلند، پرتغال و اسپانیا با استفاده از ناوگان دریایی نیرومند خود ممالک شرقی نظیر هند و سرزمین‌های تازه کشف شده آمریکای لاتین را تحت سلطه خویش درآوردند. پس از آن‌ها کشورهای نظیر انگلستان و فرانسه نیز به کشورهای استعمارگر پیوستند و توانستند از رقابت قبلی خود در زمینه استعمار کشورها پیشی بگیرند. بدین ترتیب در کشورهای استعمارگر اروپایی به دلیل فراهم شدن شرایط مناسب مالی، وجود تسهیلات حمل و نقل، تسهیلات اعتباری، وجود کارگران نسبتاً ماهر، طبع سودجویی و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، انقلاب صنعتی در قرن هیجدهم در انگلستان به وقوع پیوست و سبب به بار آمدن محصولات کارخانه‌ای در غرب شد.
۲. مرحله صدور کالا، بعد از وقوع انقلاب صنعتی تحول عظیمی در روش‌های تولید به وجود آمد و در تولید محصولات از ماشین استفاده گردید. بنابراین، تولید به شکل انبوه صورت گرفت. از آنجا که این تولیدات بیش از تقاضای داخلی بازارهای غرب بود، ادامه فعالیت کارخانه‌های ممالک اروپای غربی نیازمند بازارهای جدید بودند. از این رو، توجه کشورهای اروپای غربی به بازار ممالک مستعمره و نیمه مستعمره معطوف شد. در واقع راهیابی اقتصاد سرمایه‌داری به داخل کشورهای جهان سوم با تجارت و صدور کالا آغاز شد.
- بنا به دلایلی مانند پایین بودن قیمت محصولات غربی، قراردادهای تحمیلی و یا کسب امتیازات تجاری و گمرکی خاص، رفته رفته صنایع بومی کشورهای زیر سلطه نابود شدند و راه برای ورود کالاهای کارخانه‌ای غرب هموارتر شد.
- مرحله صدور کالا زمینه توسعه و پیشرفت هرچه بیشتر ممالک غربی و عقب افتادن هرچه بیشتر کشورهای مستعمره را فراهم آورد. این روند تا قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) ادامه یافت.
۳. مرحله صدور سرمایه، مرحله سوم که تکمیل کننده مرحله صدور کالا است، از جنگ جهانی اول شروع شد. در این مرحله به دلیل بالا بودن تراکم کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای اروپایی و کاهش سود صنایع، فروش کالاهای سرمایه‌ای به کشورهای زیر سلطه شروع شد. انحصارگران و صاحبان صنایع می‌کوشیدند تا با سرمایه‌گذاری

در بخش‌های تازه به نوآوری دست بزنند و یا سعی می‌کردند که به‌منظور جلوگیری از کاهش قیمت‌ها به صدور سرمایه مبادرت نمایند.

البته صدور سرمایه توسط انحصارگران تنها به‌دلیل جلوگیری از کاهش قیمت تولیدات نبوده است بلکه عوامل دیگری نیز مانند فرار از پرداخت مالیات‌های جاری در کشورهای مذکور، دستیابی به منابع اولیه و نیروی کار ارزان‌تر، دستیابی به بازارهای مصرفی و کسب مازاد اقتصادی بیشتر، در پیدایش این مرحله مؤثر بوده‌اند.

برخی بر این عقیده‌اند که این سرمایه‌گذاری‌ها برای کشورهای درحال توسعه منافع چندانی به‌همراه نداشته و تنها زمینه دستیابی به سود بیشتر را برای کشورهای صاحب سرمایه فراهم آورده است. درواقع موجب توسعه هرچه بیشتر کشورهای صنعتی و عقب‌ماندن هرچه بیشتر کشورهای درحال توسعه شده است.

باید توجه داشت که صدور کالاهای سرمایه‌ای با شرایط خاصی صورت می‌گرفت، ازجمله این‌که کشورهای پیشرفته اصولاً اقدام به صدور برخی از کالاهای سرمایه‌ای تحت عنوان «صنایع استراتژیک» نمی‌کردند، مگر آن‌که به صنایع استراتژیک جدیدتر و پیشرفته‌تر دست می‌یافتند.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، کشورهای بسیاری به‌ویژه کشورهای اروپای غربی و ژاپن به جهت آسیب‌های ناشی از جنگ، با مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی روبه‌رو شدند. این موارد سبب گردید تا خللی در مسیر توسعه‌یافتگی کشورها به‌وجود آید. در چنین شرایطی برخی از کشورها مانند ژاپن با سخت‌کوشی و تلاش موفق به دستیابی به نوآوری‌ها و پیشرفت‌های فنی گردیده و در زمره کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفتند. در مقابل برای برخی کشورها، این مشکلات به‌صورت تهدیدی در مسیر رسیدن به توسعه درآمده و لذا آن‌ها قادر به عبور از این مرحله گذر نشده و در زمره کشورهای توسعه‌نیافته قرار گرفتند. رشد شتابان موفقیت‌های علمی و فنی کشورهای گروه اول، به‌ویژه از چند دهه آخر قرن بیستم به بعد، سبب عمیق‌تر شدن شکاف اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته شده است.

۲-۳ تعریف و مفهوم توسعه اقتصادی

کلمه توسعه در ادبیات فارسی، به‌معنای گسترش و بهبود است. در مفهوم توسعه اقتصادی نیز بهبود و گسترش نهفته است. با وجود آن‌که اقتصاددانان مختلف، براساس

دیدگاه خویش، توسعه اقتصادی را تعریف کرده‌اند، لیکن در بسیاری از متون توسعه اقتصادی در قالب افزایش مداوم و مستمر تولید ناخالص ملی یک کشور تعریف شده است. اکنون پس از پرداختن به تعریف توسعه اقتصادی از منظر برخی صاحب‌نظران اقتصادی، تعریف جامعی از توسعه اقتصادی ارائه می‌شود.

پروفسور جرالده می‌یر^۱ معتقد است ارائه تعریفی دقیق و جامع از توسعه اقتصادی مشکل است. وی توسعه اقتصادی را چنین تعریف می‌کند:

«فرآیندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طولی‌المدت افزایش یابد.»

در این تعریف، منظور از فرآیند، روابط علت و معلولی و به هم پیوسته عمل نیروهای معینی، در طول زمان است. و طولی‌المدت به اهمیت افزایش دائمی درآمد واقعی در فرآیند توسعه اشاره دارد. در ضمن برای نشان دادن تغییرات حقیقی و واقعی‌تر تولید، اثر افزایش جمعیت و اثر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، حذف شده و افزایش درآمد ملی سرانه واقعی مدنظر قرار گرفته است.

می‌یر معتقد است افزایش درآمد ملی واقعی سرانه به‌تنهایی شرط کافی برای توسعه نیست زیرا توسعه اقتصادی باید همراه با افزایش رفاه اقتصادی باشد و افزایش درآمد ملی سرانه تنها یکی از عوامل مهم رفاه اقتصادی است نه همه آن. افزایش رفاه اقتصادی علاوه بر افزایش در درآمد واقعی سرانه به توزیع مناسب و مطلوب درآمد نیز بستگی دارد. امکان دارد درآمد ملی افزایش یابد ولی توزیع نامناسب آن منجر به تجمع درآمد در دست عده‌ای خاص شود که این به معنای توسعه و افزایش رفاه اقتصادی نیست. از نظر می‌یر توسعه اقتصادی هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای فراهم آوردن شرایط بهتر اجتماعی است.

در نهایت جرالده می‌یر توسعه را رشد اقتصادی توأم با "تحولات" تعریف می‌کند و تحولات را به تغییرات در دو حوزه جستجو می‌کند:^۲

۱. ارزش‌ها و نهادها

۲. تغییرات فنی

1. Gerald, M. Meier, Leadind Issues in Economic Development, Oxford university press, sixth Ed., 1995.

۲. محمود، متوسلی، توسعه اقتصادی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲، ص ۱۲.

تعریف دیگر، از گونار میردال است.^۱ او می‌گوید:

«توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک سیستم یک‌دست اجتماعی به سمت جلو»، و هم‌چنین به عقیده وی در توسعه اقتصادی نه تنها روش تولید و توزیع محصولات و حجم تولید مدنظر است بلکه تغییرات در سطح زندگی، نهادهای اجتماعی و سیاست‌ها نیز مورد توجه است.

کیندل برگر درباره رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی به‌صورت زیر نظر می‌دهد:^۲

«رشد اقتصادی فقط به معنای تولید بیشتر است. ولی توسعه اقتصادی، هم تولید بیشتر و هم پدید آمدن تحول در چگونگی تولید محصول را در بر می‌گیرد. هرچند که رشد هم به معنای کارایی بیشتر، یعنی تولید محصول بیشتر با سرمایه‌ای ثابت است ولی مفهوم توسعه از این گسترده‌تر است زیرا شامل ایجاد تحول در چگونگی تولید و تخصیص مجدد منابع و نیروی کار در تولیدات گوناگون است.»

از نظر فریدمان:

«رشد عبارت است از گسترش سیستم در جهات مختلف بدون تغییر در زیربنای آن، و توسعه عبارت است از روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی.»^۳

آمارتیا سن توسعه را این گونه تعریف می‌کند:^۴

«توسعه عبارت است از: افزایش توانمندی‌ها^۵ و بهبود استحقاق‌ها»

در واقع وی بر عامل نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری تأکید می‌کند و معتقد است درجه توسعه اقتصادی جوامع به میزان گستره حقوقی افراد، میزان برخورداری آنان از امکانات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظایر آن، و میزان تحقق استحقاق‌ها بستگی دارد.

از تعاریف مختلف توسعه اقتصادی استنباط می‌شود، برای این‌که جامعه‌ای در مسیر توسعه قرار گیرد و در این راه توفیق یابد باید زیربناها و زمینه‌های لازم جهت

1. Gunnar, Myrdal, Against the Stream, Critical Essays on Economics, The Macmillan Press LTD London, 1975, P. 182.

2. Charles P. , Kindelberger, Economic Development, London: McGraw Hill, 2nd. Edition, 1965.

3. Tomas, Friedmann , In Growth Centers in Regional Economic Development, Edited by: N. M. Hansen, New york 1972.

4. Amartya, Sen, "Development Which Way Now?" Economic Journal, 1983. PP. 754-757

5. Capabilities

6. Entitlements

انجام این امر فراهم شود. زمینه‌های لازم از طریق تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای فکری، فرهنگی، اجتماعی، تولیدی و اداری ایجاد می‌شوند.

توسعه اقتصادی در مفهوم علمی و عملی فقط در صورتی به وقوع می‌پیوندد که در جامعه نگرش‌های سنتی در زمینه‌های مختلف جای خود را به نگرش‌های علمی بدهند، جامعه به لحاظ فرهنگی و فکری متحول شود و به موازات این تحولات سازمان‌ها و نهادهای مناسب با توسعه اقتصادی در حال شکل‌گیری باشند.

عدم وقوع تحولات فکری و فرهنگی مناسب و به‌طور کلی عدم وجود تفکری واحد از جمله عوامل مهمی است که سبب گردیده تا بسیاری از کشورهای درحال توسعه نتوانند در دستیابی به توسعه موفق باشند. در حالی که تحولات فرهنگی رخ داده در کشوری مانند ژاپن زمینه لازم برای توسعه اقتصادی چشمگیر را فراهم آورده است.

به علاوه، ساختار تولیدی جامعه نیز باید دگرگون شود. به این معنا که روش‌های سنتی تولید باید جای خود را به روش‌های مدرن بدهند. البته لازمه چنین جابه‌جایی، به‌کارگیری علم و دانش جدید در تولید، بهبود مدیریت تولید، تغییرات سازمانی مربوطه و تغییر در روش‌های فنی تولید است. بدیهی است چنین حرکتی در صورتی می‌تواند برای توسعه و تداوم فرآیند آن نقش داشته باشد که روش‌های تولید مدرن و استفاده از تکنولوژی‌های جدید در جامعه درون‌زا گردند و دارای ویژگی پیشرونده باشند.^۱

اکنون با توجه به مطالب اشاره شده می‌توان تعریف کلی زیر را برای توسعه اقتصادی ارائه کرد:

"توسعه اقتصادی عبارت است از افزایش مداوم ظرفیت تولید یک جامعه که بر اساس تکنولوژی پیشرونده پی‌ریزی شده باشد."

۲-۴ تقسیم‌بندی جوامع براساس سطح توسعه آن‌ها

تا آغاز قرن شانزدهم با آن‌که اختلاف بسیاری در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع مختلف مشاهده می‌شد ولی از نظر سطح زندگی و سطح تکنولوژی تقریباً مشابه یکدیگر بودند. چنانکه اشاره شد، پس از قرن شانزدهم، رخ دادن برخی

۱. منظور از تکنولوژی پیشرونده، تکنولوژی است که بتواند مسیر تکاملی خود را طی کند.

تحولات در جهان موجب گردید برخی از کشورها به‌طور مستمر در مسیر توسعه حرکت کنند و در این راه موفقیت‌هایی به‌دست آورند. این موفقیت‌ها به‌گونه‌ای بوده است که هم‌اکنون می‌توان کشورها جهان را به دو گروه کشورهای کمتر توسعه‌یافته^۱ (LDC) و کشورهای بیشتر توسعه‌یافته^۲ (MDC) تقسیم کرد.

بر سر راه توسعه کشورهای کمتر توسعه‌یافته مشکلاتی که بعضاً بین آن‌ها مشترک است، وجود دارد. عمده این مشکلات عبارت است از:

جمعیت زیاد و نرخ بالای رشد آن، عدم کفایت منابع طبیعی در مقایسه با جمعیت، درآمد سرانه پایین و توزیع نامتعادل درآمد، محدودیت پس‌انداز و در نتیجه کمبود سرمایه و فقدان بازارهای سرمایه، نرخ بالای بیکاری و وابستگی اقتصادی. علاوه بر این، نگرش‌های فرهنگی آنان نیز در مواردی مانعی بر سر راه توسعه این کشورها بوده است.

۲-۵ شاخص‌های توسعه اقتصادی

اگرچه هر یک از کشورهای کمتر توسعه‌یافته و یا کشورهای بیشتر توسعه‌یافته دارای ویژگی‌های مربوط به خود هستند اما می‌توان از دید توسعه اقتصادی مقایسه‌ای کلی میان آن‌ها انجام داد. این مقایسه به کمک شاخص‌های توسعه اقتصادی امکان‌پذیر می‌شود.

رایج‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی تولید ناخالص ملی سرانه (و گاه درآمد ملی واقعی سرانه)، امید به زندگی (متوسط طول عمر) و نرخ مرگ و میر نوزادان است. در کنار شاخص‌های مذکور شاخص‌های دیگری چون، درصد ثبت‌نام‌شدگان برای تحصیلات متوسطه از کل جمعیت، صادرات (یا صادرات سرانه)، درصد نیروی کار در مناطق شهری، نرخ با سواد، شاخص کیفیت زندگی و شاخص توسعه انسانی، به عنوان شاخص‌های توسعه اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرند.

- **تولید ناخالص ملی سرانه**^۳ یکی از متداول‌ترین معیارهای اندازه‌گیری توسعه اقتصادی است. این معیار دارای کاستی‌های زیر است:

1. Less Developed Countries
2. More Developed Countries
3. Per capita Gross National Product

۱. اثر رشد قیمت‌ها را در نظر گرفته نمی‌گیرد.^۱
۲. به چگونگی توزیع درآمد توجه نمی‌کند.
۳. هزینه‌های جانبی، مانند آلودگی آب و هوا، شهرنشینی و صنعتی شدن، را که جامعه برای توسعه اقتصادی متحمل می‌شود، در نظر نمی‌گیرد.
۴. به دلیل فقر آمار و اطلاعات و کمبود امکانات در کشورهای در حال توسعه، این معیار نمی‌تواند برای اندازه‌گیری درجه توسعه اقتصادی آن‌ها مناسب باشد.
- **شاخص کیفیت زندگی**،^۲ شاخصی است ترکیبی که به وسیلهٔ موريس معرفی شده و از میانگین حسابی سه شاخص امید به زندگی، مرگ و میر نوزادان و نرخ باسوادی محاسبه می‌شود. این شاخص بین یک (برای بدترین وضعیت) و صد (برای بهترین وضعیت) قرار می‌گیرد.
- **شاخص توسعه انسانی**،^۳ شاخصی است ترکیبی که از میانگین وزنی ساده سه شاخص امید به زندگی، قدرت خرید واقعی افراد برحسب دلار آمریکا و نرخ باسوادی بزرگسالان به دست می‌آید. این شاخص بین یک و صفر قرار می‌گیرد؛ و بر این اساس کشورهای جهان در سه گروه زیر طبقه‌بندی می‌شود:

توسعه انسانی پایین	←	$HDI < 0.5$
توسعه انسانی متوسط	←	$0.5 < HDI < 0.799$
توسعه انسانی بالا	←	$0.8 < HDI < 1$

گزارش توسعه انسانی (HDR)^۴ یکی از معتبرترین بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی در جهان است که دفتر توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)^۵، هر ساله آن را منتشر می‌کند. گزارش توسعه انسانی برای سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۵ تهیه و منتشر شده است. در گزارش مذکور ۱۷۷ کشور جهان از نظر شاخص‌هایی مانند: تولید ناخالص داخلی سرانه، امید به زندگی، نرخ مرگ و میر، درصد ثبت‌نام‌شدگان برای تحصیلات متوسطه و امکانات آموزشی بررسی شده‌اند.

۱. هرگاه تولید ناخالص ملی واقعی در نظر گرفته شود این کاستی رفع می‌گردد.

2. Physical quality of Life Index (POLI), By Morris

3. Human Development Index (HDI)

4. Human Development Report (HDR)

5. United Nation Development Programme(UNDP)

در جدول شماره (۱) برخی از کشورها، اعم از کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای بیشتر توسعه‌یافته، و در جدول شماره (۲) گروه‌هایی از کشورها، از نظر شاخص‌های توسعه اقتصادی شامل: شاخص توسعه انسانی، نرخ باسوادی، امید به زندگی، مرگ و میر کودکان (برای هر هزار تولد)، تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه، تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه بر مبنای برابری قدرت خرید، شاخص آموزش، رتبه HDI، تفاوت رتبه GDP سرانه و رتبه HDI و درصد جمعیت شهری، با یکدیگر مقایسه شده‌اند. چنانکه در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود: کشورهای ایسلند، نروژ و استرالیا به لحاظ شاخص توسعه انسانی، در بین ۱۷۷ کشور جهان، بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۵ به ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار دارند. و پایین‌ترین رتبه به کشور سیرالئون تعلق دارد.

به‌طور کلی، از مقایسه ارقام شاخص‌های مندرج در جداول شماره (۱) و (۲) می‌توان به تفاوت سطح اقتصادی و آموزشی، کیفیت زندگی و میزان توسعه‌یافتگی کشورها و گروه‌های کشورها پی برد. برای مثال، طبق جدول شماره (۱)، تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای پیشرفته‌ای چون کانادا، ژاپن و آمریکا به ترتیب برابر با ۳۴۴۸۴، ۴۱۸۹۰ و ۳۵۴۸۴ دلار آمریکا در سال ۲۰۰۵ بوده است در حالی‌که در همین سال، تولید ناخالص داخلی سرانه در سیرالئون تنها ۲۱۶ دلار آمریکا و در هندوستان ۷۳۶ دلار آمریکا بوده است. از مقایسه ارقام مذکور می‌توان تصور کرد که تا حد بالایی بین سطح اقتصادی و سطح زندگی مردم این کشورها تفاوت وجود دارد.

با توجه به این‌که شاخص توسعه انسانی کشور ایران برابر ۰/۷۵۹ به‌دست آمده، در گروه کشورهای توسعه انسانی متوسط قرار دارد و از این نظر دارای رتبه ۹۴ است. به‌رغم آن‌که ایران در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط قرار دارد ولیکن شاخص‌های توسعه اقتصادی آن (مندرج در جدول شماره ۱)، از متوسط جهان بالاتر است. هم‌چنین، از مقایسه ارقام شاخص‌های مندرج در جداول مذکور می‌توان نتیجه گرفت که ایران در زمره گروه کشورهای با درآمد متوسط به‌شمار می‌آید.

جدول ۱. شاخص‌های توسعه اقتصادی برای برخی کشورها در سال ۲۰۰۵

کشورها	شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد (سال)	مرگ و میر کودکان (برای هر هزار تولد)	درصد باسوادی (۱۵ ساله و بیشتر، ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵)	GDP سرانه (برابری قدرت خرید، دلار آمریکا)	GDP سرانه (دلار آمریکا)	شاخص آموزش	تفاوت رتبه GDP سرانه و رتبه HDI
ایسلند	۰/۹۶۸	۱	۸۱/۵	۲	۱۰۰	۳۶۵۱۰	۵۳۲۹۰	۰/۹۷۸	۴
نروژ	۰/۹۶۸	۲	۷۹/۸	۳	۱۰۰	۴۱۴۲۰	۶۳۹۱۸	۰/۹۹۱	۱
استرالیا	۰/۹۶۲	۳	۸۰/۹	۵	۱۰۰	۳۱۷۹۴	۳۶۰۳۲	۰/۹۹۳	۱۳
کانادا	۰/۹۶۱	۴	۸۰/۳	۵	۱۰۰	۳۳۳۷۵	۳۴۴۸۴	۰/۹۹۱	۶
ژاپن	۰/۹۵۳	۸	۸۲/۳	۳	۱۰۰	۳۱۲۶۷	۳۵۴۸۴	۰/۹۴۶	۹
فرانسه	۰/۹۵۲	۱۰	۸۰/۲	۴	۱۰۰	۳۰۳۸۶	۳۴۹۳۶	۰/۹۸۲	۸
ایالات متحده آمریکا	۰/۹۵۱	۱۲	۷۷/۹	۶	۱۰۰	۴۱۸۹۰	۴۱۸۹۰	۰/۹۷۱	-۱۰
انگلستان	۰/۹۴۶	۱۶	۷۹	۵	۱۰۰	۳۳۲۳۸	۳۶۵۰۹	۰/۹۷	-۵
آلمان	۰/۹۳۵	۲۲	۷۹/۱	۴	۱۰۰	۲۹۴۶۱	۳۳۸۹۰	۰/۹۵۳	-۲
سنگاپور	۰/۹۲۲	۲۵	۷۹/۴	۳	۹۲/۵	۲۹۶۶۳	۲۶۸۹۳	۰/۹۰۸	-۶
کویت	۰/۸۹۱	۳۳	۷۷/۳	۹	۹۳/۳	۲۶۳۲۱	۳۱۸۶۱	۰/۸۷۱	-۸
قطر	۰/۸۷۵	۳۵	۷۵	۱۸	۸۹	۲۷۶۶۴	۵۲۲۴۰	۰/۸۵۲	-۱۲
امارات	۰/۸۶۸	۳۹	۷۸/۳	۸	۸۸/۷	۲۵۵۱۴	۲۸۶۱۲	۰/۷۹۱	-۱۲
مالزی	۰/۸۱۱	۶۳	۷۳/۷	۱۰	۸۸/۷	۱۰۸۸۲	۵۱۴۲	۰/۸۳۹	-۶
روسیه	۰/۸۰۲	۶۷	۶۵	۱۴	۹۹/۴	۱۰۸۴۵	۵۳۳۶	۰/۹۵۶	-۹

کشورها	شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد (سال)	مرگ و میر کودکان (برای هر هزار تولد)	درصد باسوادی (۱۵ ساله و بیشتر، ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵)	GDP سرانه (برابری قدرت خرید، دلار آمریکا)	GDP سرانه (دلار آمریکا)	شاخص آموزش	تفاوت رتبه GDP سرانه و رتبه HDI
چین	۰/۷۷۷	۸۱	۷۲/۵	۲۳	۹۰/۹	۶۷۵۷	۱۷۱۳	۰/۸۳۷	۵
ترکیه	۰/۷۷۵	۸۴	۷۷/۴	۲۶	۸۷/۴	۸۴۰۷	۵۰۳۰	۰/۸۱۲	-۱۸
ایران	۰/۷۵۹	۹۷	۷۰/۲	۳۱	۸۲/۴	۷۹۶۸	۲۷۸۱	۰/۷۹۲	-۲۳
مصر	۰/۷۰۸	۱۱۲	۷۰/۷	۲۸	۷۱/۴	۴۳۳۷	۱۲۰۷	۰/۷۳۲	-۱
آفریقای جنوبی	۰/۶۷۴	۱۲۱	۵۰/۸	۵۵	۸۲/۴	۱۱۱۱۰	۵۱۰۹	۰/۸۰۶	-۶۵
هند	۰/۶۱۹	۱۲۸	۶۳/۷	۵۶	۶۷	۳۴۵۲	۷۳۶	۰/۶۲۰	-۱۱
سیرالئون	۰/۳۳۶	۱۷۷	۴۷/۸	۱۶۵	۳۴/۸	۸۰۶	۲۱۶	۰/۳۸۱	-۵
جهان	۰/۷۴۳	-	۶۸/۱	۵۲	۷۸/۴	۹۵۴۳	۶۹۵۴	۰/۷۵۰	-

مأخذ: گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷.

جدول ۲. شاخص‌های توسعه اقتصادی برای برخی گروه‌های کشورها در سال ۲۰۰۵

گروه کشورها	شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی (سال)	مرگ و میکودکان (برای هر هزار تولد)	درصد باسودای (۱۵ ساله و بیشتر ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵)	GNP سرانه (دلار آمریکا)	GDP سرانه (برابری قدرت خرید، دلار آمریکا)	شاخص آموزش	درصد جمعیت شهری
درآمد پایین	۰/۵۷	۶۰	۷۵	۶۰/۲	۶۱۰	۲۵۳۱	۰/۵۸۹	۳۰
درآمد متوسط	۰/۷۷۶	۷۰/۹	۲۸	۸۹/۹	۲۸۰۸	۷۴۱۶	۰/۸۴۳	۵۳/۹
درآمد بالا	۰/۹۳۶	۷۹/۲	۶	۱۰۰	۳۴۷۵۹	۳۳۰۸۲	۰/۹۳۷	۷۷/۶
توسعه انسانی پایین	۰/۴۳۶	۴۸/۵	۱۰۸	۵۴/۴	۴۸۳	۱۱۱۲	۰/۵۱۲	۳۳/۲
توسعه انسانی متوسط	۰/۶۹۸	۶۷/۵	۴۵	۷۸	۱۴۱۲	۴۸۷۶	۰/۷۳۸	۳۹/۳
توسعه انسانی بالا	۰/۸۹۷	۷۶/۲	۱۳	۱۰۰	۲۲۹۸۴	۲۳۹۸۶	۰/۹۹۲	۷۶/۸
OECD	۰/۹۱۶	۷۸/۳	۹	۱۰۰	۲۹۸۶۰	۲۹۱۹۷	۰/۹۱۲	۷۵/۶
اروپای مرکزی و شرقی و CIS*	۰/۸۰۸	۶۸/۶	۲۲	۹۹	۴۶۶۲	۹۵۲۷	۰/۹۳۸	۶۳/۲
عربی	۰/۶۲۹	۶۷/۵	۴۶	۷۰/۳	۳۶۵۹	۶۷۱۶	۰/۶۸۷	۵۵/۱
آمریکای لاتین و کاریب	۰/۸۰۳	۷۲/۸	۲۶	۹۰/۳	۴۴۸۰	۸۴۱۷	۰/۸۷	۷۷/۳
آسیای جنوبی	۰/۶۱۱	۶۳/۸	۶۰	۵۹/۵	۸۰۰	۳۴۱۶	۰/۵۹۸	۳۰/۲
آسیای شرقی و پاسفیک	۰/۷۷۱	۷۱/۷	۲۵	۹۰/۷	۲۱۱۹	۶۶۰۴	۰/۸۳۶	۴۲/۸
آفریقا	۰/۴۹۳	۴۹/۶	۱۰۲	۶۰/۳	۸۴۵	۱۹۹۸	۰/۵۷۱	۳۴/۹
جهان	۰/۷۴۳	۶۸/۱		۷۸/۶	۶۹۵۴	۹۵۴۳	۰/۷۵	۴۸/۶

مأخذ: گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷.

ارقام، مربوط به میانگین وزنی برای هر گروه از کشورها است. وزن‌ها برابر با جمعیت هر کشور در گروه مربوط به خود است.

*The Commonwealth of Independent States (CIS)

شامل کشورهای روسیه، اوکراین، قزاقستان، بلاروس، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، گرجستان، ارمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ملدوا است.